

خودآرایی و محیط آرایبی در سیره امام علی علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

سیدپاسر حسینی نسب کهنوج *

چکیده

امامان معصوم علیهم السلام همواره الگویی مناسب برای انسان‌ها بوده‌اند و بررسی ابعاد مختلف سیره آن بزرگواران می‌تواند به عنوان راهنمایی کامل در همه امور زندگی قرار گیرد. بخش مهمی از زندگی امام علی علیه السلام پرداختن به خودآرایی ظاهر و محیط آرایبی پیرامون خود بوده است. مسئله اصلی در این مقاله این است که خودآرایی و محیط آرایبی در سیره امام علی علیه السلام چگونه بوده است؟ به همین منظور سیره خودآرایی و محیط آرایبی در دوران حیات امام علی علیه السلام مورد بررسی قرار گرفت. روش تحقیق در این مقاله به لحاظ جمع آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و از روش اجرای تحقیق؛ توصیفی و تحلیلی است.

در پاسخ به پرسش حاضر به این نتیجه دست یافتیم که که اقتضات اجتماعی هر دوره از زندگی معصومان علیهم السلام به ویژه میزان سطح درآمد و زندگی عموم مردم جامعه از شاخصه‌های مهم و تاثیرگذار در میزان زیادی و کمی خودآرایی و محیط آرایبی بوده است. چون در دوران امیر مومنان علی علیه السلام مردم مدینه در سختی قرار گرفته و اقتضای شرایط جامعه ایجاب می‌کرد که حضرت در حضور جمع به خودآرایی کمتر و ساده زیستی بیشتری پرداخته اما این گونه ساده زیستی هیچ گاه به منزله دوری کردن از خودآرایی سیمای ظاهری و محیط آرایبی پیرامون خود به خصوص در

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

محیط خانه نبود بلکه امام علی علیه السلام در حضور خانواده به خودآرایی پرداخته و همیشه سعی در ایجاد محیطی آراسته برای اهل خانه بوده است و در ایجاد محیط مناسب پیرامون خود از هیچ تلاشی فرو گذاری نکرده است.

واژه‌های کلیدی: سیره، خودآرایی، محیط آرایبی، امام علی علیه السلام.



مقدمه

انسان‌ها در طول تاریخ به مساله خودآرایی و محیط آرایبی توجه داشته اند چون حس زیباگرایی در فطرت انسان‌ها وجود دارد و هر انسانی بدون این که زیبایی را برای او تعریف کرد، به زیبایی خود و محیط اطرافش گرایش پیدا می‌کند و آن را در وجودش درک می‌کند و به سمت و سوق آن زیبایی می‌رود. معصومان علیهم‌السلام با این گرایش مخالفت نکرده و آن را تنها به زنان اختصاص نداده بلکه مردان نیز می‌بایست به آن اهمیت داده و در هنگام حضور در میان برادران دینی و برای ارتباط با دیگران، خود را آراسته جلوه دهند.

فقدان الگوی عملی کامل در خودآرایی و محیط آرایبی، متناسب با فرهنگ اسلامی در جامعه سبب شده است که جوانان در خودآرایی و محیط آرایبی، از الگوهای خاص غربی در پوشش و آرایش ظاهر الگو گرفته لذا تبیین خودآرایی و محیط آرایبی به وسیله احادیث و روایاتی که از امام علی علیه‌السلام و دیگر معصومان علیهم‌السلام در زمینه خودآرایی و محیط آرایبی نقل شده، الگوی مناسب را برای جوانان معرفی نموده و با ارائه این الگوهای صحیح، سبب می‌شود که فرد و جامعه در مسیر رشد و کمال الهی قرار گرفته و از طریق اعتدال خارج نشود.

این پژوهش، بر آن است تا با ذکر مسائل خودآرایی و آراستگی ظاهری که در طول دوران حیات امام علی علیه‌السلام صورت گرفته، به بیان سیره خودآرایی امام علی علیه‌السلام پرداخته و الگوی مناسب را در این زمینه برای جامعه معرفی نماید؛ و در زمینه محیط آرایبی سعی شده مسائلی را که امام علی علیه‌السلام در محیط آرایبی بیرونی و درونی خانه به آن تاکید داشتند را بیان نموده تا به معرفی سیره امام علی علیه‌السلام به عنوان الگویی نمونه که ساده زیستی را با زیبا زیستن و آراستگی پیرامون خود همراه نموده است، پرداخته

شود و سیره امام علی علیه السلام می تواند کمک شایانی در زندگی هر فرد مسلمانی در زمینه خودآرایی و محیط آرای پیرامون خود داشته باشد.

خودآرایی در سیره امام علی علیه السلام

آراستگی مو

موی سر نقش مهمی در خودآرایی فرد دارد در صورت عدم رسیدگی و شانه نزدن به موقع علاوه بر بیماری های سر، موجب ژولیدگی و ناآراستگی و چهره فرد را زشت نشان می دهد. امیرالمؤمنان علیه السلام با اینکه در غایت زهد و ساده زیستی بود، اما هرگز سهل انگاری در خودآرایی و آراسته بودن موی سر را روا نمی دانست و می فرمود: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست می دارد و دوست دارد اثر نعمت را در بنده اش ببیند». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۸) یعنی اینکه خداوند جمال ظاهری مردم را نیز دوست دارد، خدا دوست دارد نعمت هایی را که به مردم بخشیده و زیبایی هایی را که به آنان عطا فرموده، آشکارا مشاهده نماید. آن کس که اندام موزون و صورت زیبا دارد، خود را شکسته و نازبیا ننماید و به خودآرایی خود پردازد و موی سر خود را شانه بزند لذا زیبایی ظاهر را از سعادت انسان معرفی می کرد و می فرمود: «زیبایی و سلامتی ظاهری اول قدم سعادت مندی است». (لیثی واسطی، ۱۴۱۸، ص ۲۲۸) «زیبایی ظاهر، نیکویی صورت است و زیبایی باطن، نیکویی رفتار است». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۴۳) با اینکه موی سرش کم پشت بود آن را پاکیزه نگه می داشت. ابن عباس می گوید: من زیباتر از شرصه علی علیه السلام ندیدم. (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۹۷) (به موی ریخته شده از دو طرف پیشانی شرصه گفته می شد) امام علی علیه السلام تاکید زیادی به آراستگی موی سر و رسیدگی به سیمای ظاهری داشت و دیگران را سفارش به خودآرایی می کرد و می فرمود:

«هر کدام از شما باید به آینه نگاه کند و بگوید: سپاس خداوندی را که مرا آفرید و چهره زیبا و خلقت نیکو بخشید و سپاس خدایی را که آنچه در دیگران زشت است در من نیکو گردانید و به اسلام گرامی ام داشت و باید خود را بیاراید». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۰۰) امیرالمؤمنان علیه السلام ضمن اینکه تاکید فراوان به شانه زدن داشتند ولی ایستاده شانه زدن را خوش نمی داشت و می فرمود: «ایستاده شانه زدن سبب فقر و تنگ دستی می شود». (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۲۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله در همین مورد فرمودند: هر کس ایستاده شانه بزند، گرفتار قرض شود. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۷۰) علاوه بر شانه زدن به شستن سر سفارش می کرد و می فرمود: «شستن سر با خطمی، چرک را از بین می برد و چرک و ریم و ترشحات چرکین را از چشم دور می کند». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۲۵)

پیراستگی مو

از موارد رسیدگی به موی سر، کوتاه نمودن به موقع آن می باشد. امیرالمؤمنان علیه السلام نیز در رسیدگی به موی سر کوتاهی نمی کرد و می فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما می فرمود: موهای پشت سرتان را کوتاه کنید». (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۰۱) علاوه بر توجه به خود، اصحاب را به کوتاه نمودن موی سر سفارش می کرد و می فرمود: «موهای بین چشم و گوش و موهای دو طرف صورت (عارضان) را کوتاه کنید و موهای جلوی ریش را اگر بیش از یک قبضه شد آن را کوتاه نمایید». (تمیمی مغربی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۲) در برخی اوقات کوتاهی موی را در پاکیزگی بیشتر موثر می دانست در این مورد از امیرالمؤمنان علیه السلام درباره مردی سوال شد که موهای سر و شارب و ناخنش را بعد از وضو کوتاه نموده است امام فرمود: «این کار به خاطر طهارت است و اشکالی ندارد». (کوفی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹)

امیرمؤمنان علیه السلام افراد را از چیدن موی سر و صورت منع نمی کرد بلکه کوتاهی موی سر را باعث زیبایی و آراستگی ظاهر می دانست و حتی در بعضی موارد افراد را تشویق

به کوتاه کردن موی سر و صورت می‌کرد و هر نوع سبک و مدلی را برای کوتاهی موی سر مناسب نمی‌دانست. در روایتی در باره کوتاهی موی کودکان در این مورد فرمود: «موی سر کودکان را به صورت کاکل نتراشید؛ کاکل به این صورت است که قسمتی از سر را می‌تراشند و قسمت دیگر را رها می‌کنند». (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۴۴۷) این گونه سفارش‌ها موجب دقت بیشتر افراد جامعه به آراستگی ظاهر و به خصوص کوتاهی موی سر می‌شد و سیره حضرت بهترین الگو برای آنها در این مورد بود.

خضاب

در سیره خودآرایی معصومان علیهم‌السلام؛ خضاب، تاثیر زیادی در خودآرایی دارد. اگر چه امیر مومنان علی علیه‌السلام موی سر مبارکشان را هم تا آخر عمر خضاب نکردند و در عزای پیامبر باقی ماندند و این نبود مگر به خاطر مخالفت دائمی با غضب خلافت و انحراف اسلام واقعی از آنچه خداوند بر پیامبرش نازل کرده بود با این وجود، امام علی علیه‌السلام نیز به مسئله خودآرایی توجه داشت و زمانی که به امام علی علیه‌السلام گفته شد: چه می‌شد اگر موی سپیدت را خضاب می‌کردی؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «خضاب، زینت و آرایش است و ما در عزا و مصیبت هستیم»، گفته شده منظور از مصیبت، فقدان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که در جامعه اسلامی رخ داده بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۶۹۵) توجه امام علی علیه‌السلام به خضاب و اهمیت آن به خصوص در دوران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیشتر نمایان می‌شد. مردی مسلمان شده بود و با رنگ زرد خضاب کرد و به پیغمبر خبر رسید، فرمود: این اسلام است، حضرت امیر علیه‌السلام خضاب سرخ رنگی کرد و چون به پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خبر رسید، فرمود: اسلام و ایمان است و با سواد خضاب کرد و چون خبر به پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید، فرمود: اسلام و ایمان و نور است. (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۷۵) انجام خضاب مرد مسلمان شده و سپس امام علی علیه‌السلام و تشویق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره اهمیت خضاب را در سیره خودآرایی امام علی علیه‌السلام می‌رساند.

خضاب سر و ریش در مردان و در زنان خضاب موی سر و دست و پا از سنت موکد است. امام علی علیه السلام در خطبه‌ای که در هنگام آماده شدن برای جنگ با قاسطین برای لشکریان می‌خواند اگر چه در تبیین ارزش جهاد و شهادت اما حنا را برای خضاب زنان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «آگاه باشید که خضاب زنان، حناست و خضاب مردان، خون؛ و پایداری برای پایان کارها نیکوتر است». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۸۰)

سرمه

از زینت‌هایی که در سیره خودآرایی امام علی علیه السلام هم زنان و هم مردان مجاز به استفاده از آن هستند، سرمه می‌باشد. امام علی علیه السلام در خودآرایی به آن توجه داشته و سفارش به استفاده از سرمه اثم می‌کرد و در تعداد دفعات کشیدن سرمه بر چشم‌ها می‌فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله ما را امر به کشیدن سه مرتبه سرمه، در هر چشم کرد. (بروجردی، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۵۹۵) در سرمه کشیدن سفارش به انتخاب عدد فرد می‌کرد یعنی انتخاب یک بار، یا سه بار یا پنج بار... نه اعداد زوج و در این مورد می‌فرمود: «هرکس سرمه می‌کشد، باید تعداد دفعات به صورت فرد باشد و هرکس چنین کند، این کار را به خوبی انجام داده است و هرکس چنین نکند، ایرادی ندارد». (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۶۹۱)

رسیدگی به پوست

روغن مالیدن بر بدن، علاوه بر جنبه بهداشتی در زیبایی نیز تاثیر گذار است و استعمال آن زیبایی فرد را بیشتر می‌کند. امام علی علیه السلام نیز به روغن مالیدن توجه داشته و استفاده آن را برای موی سر موجب زیبایی و برای پوست موجب شادابی می‌دانست و می‌فرمود: روغن، پوست را نرم می‌کند، نیروی مغز را می‌افزاید، مجرای ادرار را باز می‌کند، آلودگی پوست و کثیفی بدن را از بین می‌برد و رنگ بدن را درخشان می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۱۹)

همیشه از متنوع ترین روغن ها در خود آرایبی استفاده می کرد. و هر کدام را دارای فواید و اثرات مفیدی برای بدن می دانست. روغن کندر از روغن های مورد علاقه امام علی علیه السلام بود و می فرمود: «از روغن کندر استفاده کنید و برای زنان شما مطلوب تر است و روغن بنفشه استفاده کنید زیرا در تابستان سرد و در زمستان گرم است». (شهردار دیلمی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۹۱) در باره فواید آن می فرمود: «بهترین روغن کندر است و در آن امان از وبا است و با آن بدن را روغن مالی کنید که انبیا از روغن استفاده می کردند». (ابن بسطام، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۹۴)

علاوه بر سفارش به روغن کندر، روغن بنفشه نیز از روغن های مورد پسند حضرت بود. و درباره آن می فرمود: «به وسیله روغن بنفشه، تب را از بین ببرید». (کلینی، ۱۴۰۷ ج ۶، ص ۵۲۲) هر دردی از درون است جز زخم و تب که از برون آید، داغی تب را با بنفشه و آب خنک بشکابید. (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۲۰) در سفارش های متعدد می فرمود: «روغن بنفشه را استفاده کنید همانا رسول خدا در باره فواید آن فرمود: اگر مردم درباره آن می دانستند که چه خاصیتی در آن وجود دارد هر آینه آن روغن را می خوردند». (قباچی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۴۷۵)

از روغن زیتون نیز استفاده می کرد و آن را دارای فواید مهمی برای بدن می دانست. در مورد اهمیت آن می فرمود: «با روغن زیتون، بدن را چرب کنید و با آن خورش درست کنید، چرا که روغن زیتون، روغن نیکان و خورش برگزیدگان است، دوبار به آن تقدس داده شده و در آن، چه در آغاز فصلش و چه در پایان آن، برکت نهاده شده است و با وجود آن، هیچ بیماری زیان نمی رساند». (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۸۴)

مسواک

سفیدی دندان، تاثیر زیادی در زیباسازی و خودآرایبی چهره می گذارد. در سیره خود آرایبی امیر مومنان علیه السلام، بهداشت و رسیدگی دندان از اهمیت مهمی برخوردار بود. امام علی علیه السلام به مسواک زدن مداومت داشت. حتی در اول و آخر ماه رمضان در حالی که

روزه بود به مسواک زدن اهمیت می داد. (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۸۹ ح ۲۹۶) می فرمود: «هیچ ایرادی دراینکه روزه دار در اول ماه رمضان مسواک مرطوب بزند، نیست». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۲۷۲)

در سیره خودآرایی امام علی علیه السلام مسواک زدن، دارای اثرات مادی و معنوی است. امام علی علیه السلام در این مورد می فرمود: «مسواک دهان را پاکیزه و موجب خوشنودی پروردگار است» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۴۹۵) و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد. (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۱۱) امام علی علیه السلام به مسواک زدن بعد از وضو تاکید می کرد و می فرمود:

«هنگامی که کسی وضو می گیرد و مسواک می زند، فرشته ای دهان به دهان آن نمازگذار می گذارد و هرکلامی که از دهان او خارج می شود آن را می بلعد و اگر مسواک نزده باشد فرشته در کناری می ایستد و تنها قرائت او را گوش می کند». (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۸)

پاکیزگی دهان و زیبایی دندان، از تاثیرات مادی مسواک زدن در سیره خودآرایی امام علی علیه السلام بود و امام علی علیه السلام در این مورد می فرمود: «مسواک زدن موجب روشنایی دیدگان می شود». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۲، ص ۱۴۵) می فرمود: «دهان های شما از راه های قرآن است پس آن را با مسواک پاک و ظاهر کنید». (اسدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۲) دلیل این فرمایش را می توان در آن دانست که هرکس از بوی نامطبوع آزرده می شود و یکی از آزرده ترین و نامطبوع ترین بوها، بوی دهان است که امام علی علیه السلام سفارش موکد به مسواک زدن داشتند تا اشخاص دیگر از بوی بد دهان آزرده خاطر نگردند و علاوه بر آن مسواک زدن، سفیدی دندان ها را به همراه دارد و زیبایی دندان ها در چهره فرد تاثیر می گذارد.

عطر

تراوش بوی خوش از انسان، چیزی است که مورد تأیید و تأکید عقل و شرع قرار گرفته است. امام علی علیه السلام به استعمال عطر اهمیت می‌داد؛ و همانند پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه خود را خوشبو می‌کرد. در استفاده از عطر، محاسن را نیز عطرآگین می‌نمود. و در این مورد می‌فرمود: «عطرآگین نمودن محاسن و سبیل از اخلاق انبیا و احترام کرام الکاتبین است». (راشدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۷۰-۶۹) استعمال عطر را موجب شادمانی و نشاط می‌دانست و می‌فرمود: «عطر و بوی خوش، مایه شادمانی است». (رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۶)

در خودآرایی از انواع عطرها استفاده می‌کرد. مشک را بیشتر دوست داشت و استفاده از آن را به دلیل حمل و نقل آسان، تأکید می‌کرد و می‌فرمود: «مشک، عطر نیکویی است، حمل و نقلش آسان و بوی آن خوش است». (رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۶) اگر کسی به او عطری هدیه می‌داد از استعمال آن خود داری نمی‌کرد. روزی عطر روغنی برای امیر مؤمنان علی علیه السلام آوردند که حضرت قبلا از آن استفاده نموده بود. دوباره از آن عطر استفاده نمود و فرمود: «به‌راستی که ما عطر را بر نمی‌گردانیم». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۱۲) از آن استفاده کرد.

انگشتر

انگشتر مناسب، تاثیر زیادی در خودآرایی دارد. امام علی علیه السلام نیز از انگشتر مناسب که مزین به اذکار قرآنی بود در خودآرایی استفاده می‌کرد. چهار نوع انگشتر داشت که هر کدام تاثیرات مثبتی برای او به همراه داشت. ۱. یاقوت به منظور بزرگی ۲. فیروزه به نیت نصرت و یاری شدن ۳. حدید چینی به قصد قوت و قوی شدن ۴. عقیق برای حفظ و مصون ماندن. نقش انگشتر یاقوت آن حضرت: «لا اله الا الله الملك الحق المبين» و نقش انگشتر فیروزه آن سرور «الله الملك الحق المبين» و نقش انگشتر حدید چینی اش «العزة لله جميعا» و نقش عقیق امام علی علیه السلام سه سطر

به این شرح بود: «ماشاءالله، لا قوة الا بالله، استغفرالله». (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۹۵) سفارش به استفاده از انگشتر عقیق می‌کرد و می‌فرمود: «برای دست خود انگشتر عقیق یمنی اختیار کنید تا خدا شما را برکت دهد و از هر بلائی ایمن باشید». (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷۴) البته جنبه استفاده از انگشتر در نگرش معصومان علیهم‌السلام برای ثواب آن نیز بوده است ولی آنچه که مورد نظر است استفاده از انگشتر از جنبه آراستگی ظاهر است.

پوشش

لباس پاکیزه و به دور از آلودگی در آراستگی تاثیر گذار بوده و ظاهر فرد را زیبا جلوه می‌دهد. امام علی علیه‌السلام در ایام زمامداری جامعه مسلمین، به ساده‌پوشی شناخته می‌شد و لباس‌های گران قیمت نمی‌خرید و پوشش او مطابق با روزگار خودش بود و طبق فرمایش امام صادق علیه‌السلام بهترین جامه برای هر روزگار، جامه مردم همان زمان است. (قمی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۵۶۶) هرگز لباس‌های امام علی علیه‌السلام چرکی و کثیف و پاره نبود و در بعضی اوقات رخت و لباس خود را با دست مبارک می‌شست و می‌فرمود: «شستشوی لباس، غم و اندوه انسان را از بین می‌برد و طهارتی برای نماز است». (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۴) هر زمان که لباسی به تن می‌کرد شکر گذار خداوند بود. تشکر از خداوند را در برابر نعمتی که او را پوشانده سفارش می‌کرد و می‌فرمود:

«از زمانی که خداوند مومن را لباس جدیدی پوشاند، وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند در آن دو رکعت سوره ام‌الکتاب و آیت الکرسی و یا قل هوالله، انا انزلنا را بخواند سپس خداوند را شکر کند که عورتش را پوشانده او را زینت داده و زیاد ذکر «لا حول ولا قوة الا بالله» را بگوید و برای هر راه رفتنی با آن لباس، ملکی از جانب خداوند او را مورد استغفار قرا می‌دهد». (هندی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۴۱۰) با آن لباس تمیز و پاکیزه و نو، نماز می‌خواند.

در انتخاب رنگ لباس دقت می‌کرد و رنگ سفید را برای لباس انتخاب می‌کرد. لباس سفید از لباس‌های مورد علاقه حضرت بود و آن را بیشتر می‌پوشید. (حمیری، ۱۴۱۳، ج ۱، ۱۵۲) رنگ سیاه را برای پوشش مناسب نمی‌دید و در حدیث چهارصدگانه خود به اصحابش توصیه به نپوشیدن آن می‌کرد و می‌فرمود: لباس سیاه نپوشید که آن لباس فرعون است کفش‌های نُک تیز نپوشید این نوع کفش‌ها مال فرعون است. او اولین کسی بود که چنین کفشی پوشید. (محسنی، ۱۴۳۴، ج ۸، ص ۵۷۶)

امام علی علیه السلام بیشتر لباس پنبه‌ای می‌پوشید. به پوشیدن آن سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «لباس پنبه‌ای بپوشید». (طباطبایی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۶) این نوع پارچه را پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پوشید و ما نیز از همان لباس می‌پوشیم. لباس پشمینه و مویی نمی‌پوشید مگر به واسطه علتی آن لباس را می‌پوشید. به لباس ضخیم توصیه می‌کرد می‌فرمود: «بر شما باد لباس ضخیم، زیرا کسی که لباسش نازک و بدن نما باشد، دین او هم نازک است». (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۹) پوشیدن لباس ضخیم در دوران امام علی علیه السلام رایج بود. در سفارش خود به فواید لباس تاکید می‌کرد و می‌فرمود: «هرکس که طول عمر می‌خواهد، لباس سبک بپوشد و غذا کمتر بخورد». (ابن بسطام، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۹)

کوتاهی و بلندی بیش از اندازه لباس، تاثیرات منفی در ظاهر انسان دارد. کوتاهی بیش از اندازه لباس، موجب حقارت و نمایان شدن بدن می‌شود. بلندی بیش از اندازه لباس، ظاهر فرد را زشت جلوه می‌دهد. امیرمؤمنان علی علیه السلام به اندازه لباس دقت می‌کرد، لباس‌هایی را که می‌خرید یا می‌پوشید اگر آستین یا دامن آن بلند بود به خیاطی نمی‌داد بلکه خود آن را کوتاه یا اصلاح می‌کرد و می‌پوشید. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ۳۳۸)

به تمیزی لباس اهمیت می‌داد و اصحاب را به خودآرایی و رسیدگی به وضع ظاهر سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «زمانی که خداوند نعمت به شخصی داد، دوست دارد اثرش را در لباس پوشیدن او ببیند». (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۵۳) هریک از شما خود را چنان برای برادر مومن خود آراسته کند همانطور که خود را برای شخص غریبی که دوست دارد او را در بهترین حالت ببیند، زینت کند. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۱۴)

امام علی علیه السلام خودآرایی را برای دیگران به خصوص نسل جوان تحریم نکرده و بلکه به خودآرایی و تجمل دوستی نسل جوان در چارچوب اخلاق و مصلحت جامعه توجه داشتند و به همین خاطر بود که جامه بهتر را به غلامش قنبر که جوان بود، داد تا تمایل زیباپسند قنبر را ارضا سازد، سپس خطاب به وی فرمود: «تو جوانی و مانند سایر جوانان به تجمل و زیبایی رغبت بسیار داری و به علاوه من از خدای خود حیا می‌کنم که لباس خودم بهتر باشد». (نقلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۲) مباحث علمی، این موضوع را به اثبات رسانیده که لباس زیبا غم و اندوه را از بین می‌برد؛ چرا که اندوه، اعصاب را فرسوده می‌سازد و اثر زیادی در از بین رفتن نشاط و شادابی تن دارد. ادامه غم و اندوه موجب بیماری و مرض می‌شود.

محیط آرایبی در سیره امام علی علیه السلام مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

محیط آرایبی مسجد

بدون شک محیط آرایبی، در سیره امیر مومنان علیه السلام ادامه دهنده راه و منش رسول خدا صلی الله علیه و آله است. امیر مومنان علی علیه السلام در دوران زندگی در مدینه و کوفه با ساخت مسجد به محیط آرایبی شهر می‌پرداختند. در ساخت مسجد مدینه، امیر مومنان علیه السلام با پیامبر مشارکت داشت. مساجدی که ساخته می‌شد تا حد ممکن وسیع و جادار بود و به منظور اجتماع بیشتر مسلمین ساخته می‌شد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر گروهی از انصار که

برای خود مسجدی می‌ساختند، وارد شد و فرمود: «وسیع و جادار بنایش کنید که (در آینده) آن را پر خواهید کرد». (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۶۱۶) امیرمومنان علیه السلام شش باب مسجد را خود مستقلاً بنا نمود و وقف کردند. **مَسْجِدُ الْفَتْحِ**، **مَسْجِدُ الْجَامِعِ الْبَصْرَةِ**، مسجدی در منطقه احد، مسجدی در میقات حج، مسجدی در کوفه، مسجدی در عبّادان از مساجد وقفی حضرت بودند. (خوشنودی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۴-۲۴۳)

در محیط آرای مسجد، امام علی علیه السلام حریم مساجد را مشخص می‌نمودند و می‌فرمود: حریم مسجد چهل ذراع است و همسایگی چهل خانه از چهار طرف یک خانه می‌باشد. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۰۲، ح ۶۳۳۱) مسجد حریم دارد و نباید مسجد به شکلی ساخته شود که به ساختمان‌های کنار و همسایگان مسجد چسبیده باشد و در این شیوه از تقسیم باید برای مسجد چهار ضلع درب و هر جهت چهل خانه احداث شود، در این صورت به زیبایی شهر افزوده می‌شود و شهر نظم خوبی می‌گیرد و مسجد در وسط محله قرار می‌گیرد که هر طرف آن چهل خانه وجود دارد.

مناره بلند را برای مسجد مناسب نمی‌دانست. روزی از کنار مناره‌ای بلند گذر می‌کرد، فرمان داد تا آن را خراب کنند و آنگاه فرمودند: «مناره را بایستی هم سطح با پشت بام مسجد ساخت». (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۳۰) از ساخت مقصوره برای مسجد نهی می‌کرد. از جمله بدعت‌های عثمان ساخت مقصوره در مسجد بود. مقصوره به صورت اتاق در داخل محراب مسجد ساخته می‌شد که شخص در آنجا می‌ایستاد و ممتاز از دیگران بود و والیان عثمان نیز در بلاد اسلامی در مساجد مقصوره ساختند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن محراب‌ها را مناسب مسجد نمی‌دانست و آنها را خراب کرد و می‌فرمود: این محراب‌ها شبیه به قربانگاه‌های یهود است که قربانی می‌کنند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۳۶)

درسیره محیط آرای امام علی علیه السلام فضای داخلی مسجد باید از هرگونه آلودگی به دور باشد و به زیبایی و آراستگی محیط آن توجه شود. سعی در جارو زدن به موقع آن

شود. در این مورد پیامبر خدا ﷺ به علی رضی الله عنه دستور داد: «ای علی! مهریه حوریان بهشتی را بپرداز: برطرف کردن مانع از سر راه و بیرون بردن خاکروبه از مسجد، مهریه حوریان بهشتی است». (شهردار دیلمی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۳۲۸ ح ۸۳۳۵)

امام علی رضی الله عنه هرگونه آلودگی را منافات با شأن مسجد می دانست؛ و سفارش به از بین بردن آن از محیط مسجد می کرد و می فرمود: «در مسجد، آب دهان انداختن خطاست و کفاره اش پاک کردن و از بین بردن آن است». (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۵۶) کسی که به احترام مسجد از انداختن اخلاط در آن خودداری کند، در روز قیامت با سرور و شادمانی و در حالی که نامه اعمالش را در دست راست دارد، خداوند متعال را ملاقات می کند. کسی که در مسجد خلط می اندازد، مسجد به خود می پیچد، همان طور که اگر یکی از شما را با چوبی بزنند، از شدت درد به خود می پیچد. (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۹)

امام علی رضی الله عنه در دوران سکونت در کوفه در محیط آرایبی مسجد تلاش می کرد و سعی می کرد با اقامه نماز جماعت و مجلس درسی که در مسجد تشکیل می دادند، مسجد را رونق بخشند. حدیث اربعمآة از امیر مؤمنان علی رضی الله عنه است که آن حضرت در مجلسی چهارصد مطلب از مطالب مورد نیاز مسلمانان را که برای اصلاح امور دین و دنیای خود بدانها نیازمندند، به اصحابش آموخت. امام باقر رضی الله عنه فرمودند:

«هنگامی که علی نماز صبح را به جا می آورد تا طلوع خورشید در حال تعقیب نماز بود؛ هنگام طلوع خورشید تهی دستان و مستمندان و دیگر قشرهای مردم نزد او جمع می شدند و او به آنان دین شناسی و قرآن می آموخت و در ساعتی خاص از این جلسه برمی خاست». (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۰۹)

امام علی رضی الله عنه با این رویکرد علمی و تربیت شاگردانی چون ابوالأسود دوئلی، علی بن ابی رافع، عبیدالله بن ابی رافع، سلمان فارسی و حارث همدانی، کوفه را به مرکز علمی تبدیل کرد و مکتب علمی کوفه را بنا نهاد. رَحبه امیرالمؤمنین رضی الله عنه در جلوی

مسجد کوفه، جایی که درب مسجد کوفه قرار داشته، سکویی بوده که امام علی علیه السلام پیش از نماز یا مواقع دیگر، روی آن می‌نشسته و به پرسش‌های مردم پاسخ می‌داده است. (موسوی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۷۴)

«دکّة القضاء» مکانی بود در کنار مسجد کوفه که امام علی علیه السلام در آنجا به قضاوت می‌پرداخت. (قمی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۸۸-۳۸۷) حضرت علی علیه السلام زندان کوفه را در نزدیکی بازار روغن فروشان و جب به جب ساخت و نیز گوید: که در آغاز، زندان کوفه خانه‌ای گلین بود و زندانیان آن را می‌شکافتند و می‌گریختند. علی علیه السلام آن را از گچ و آجر بنا کرد. (کوفی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۴) این نوع از فعالیت‌ها در نظم و اجتماع بیشتر مردم به خصوص در مسجد و همچنین در امنیت و آسایش مردم تاثیر زیادی داشت.

محیط آرایی خانه

در سیره امام علی علیه السلام بهترین خانه از نظر وضعیت مکانی، آن است که با کم‌ترین امکانات و با بهترین منظره و در بهترین موقعیت مناسب از قبیل حفاظت، بهره‌مندی، هوای پاک، نور خورشید، پوشیدگی و حجاب، آرامش، آراستگی و پیراستگی ایجاد شود. در سیره محیط آرایی امام علی علیه السلام ساخت خانه در بهترین موقعیت و آراستگی محیط درونی و بیرونی آن اهمیت داشت.

مکان مناسب

انتخاب خانه مناسب در بهترین منطقه در سیره محیط آرایی امام علی علیه السلام از اهمیت فراوانی برخوردار است. تاجایی که پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به گزینش خانه در موقعیت مناسب توصیه می‌کرد و می‌فرمود:

«ای علی از سکونت در رستاق پرهیز، (رستاق به مجموعه‌ای از دهات و روستاها در حومه شهر اطلاق می‌شود) همانا بزرگترها در نادانی و جوانانشان در بدخلقی به

سربرده و زنانشان بد حجاب و انسان‌های دانشمند در میان آنها نظیر گوشتی در میان سگان می‌باشد». (شعیری، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۹)

پیامبر ﷺ امام علی را به سکونت در شهرهای بزرگ توصیه می‌نمود. امام علی علیه السلام در ذیل نامه‌ای برای حارث همدانی او را توصیه به سکونت در خانه‌ی مناسب نموده و می‌فرمود: «مسکنت (جایگاه استراحت) را در شهرهای بزرگ قرار بده که آنجا مرکز اجتماع مسلمانان است و از اقامت در مراکز غفلت و ستم‌کاری و آن جا که یاری رسانندگان بر طاعت خدا کم هستند، پرهیز نما». (رضی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۰)

یعنی از محله‌های که بویی از اسلام و خیرات جامعه نبرده‌اند دوری کن. در تعالیم اسلامی برای حضور در جامعه‌های بزرگ تاکید شده است تا بدین وسیله انسان به زمینه‌های رشد دست یابد. (حکیمی ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۴۲۹) در توصیه امام علی علیه السلام علاوه بر محیط آرایبی می‌توان به تأثیرگذاری افکار و عقاید دیگران بر اهل خانه اشاره کرد بنابراین انسان باید قبل از بنا کردن ساختمان، در مورد منطقه ساخت منزل و اطرافیان و اعتقادات آنها، تحقیق و تفحص نماید و سعی کند از مناطقی که افراد بی دین در آنها زندگی می‌کنند، دوری نماید؛ چه این که این مسئله، باعث آسیب رساندن به خانواده می‌شود.

وسعت

یکی از نعمت‌هایی که خداوند به انسان مومن اعطاء می‌کند داشتن خانه مطلوب و وسیع می‌باشد. در نگرش و سیره محیط آرایبی امام علی علیه السلام، داشتن خانه وسیع، فضیلت محسوب می‌شود. به گونه‌ای که منزل با وسعت بالا مورد توجه امیرمومنان علیه السلام بوده و به آن سفارش می‌کرد. و از آن تعبیر به بهشت می‌کرد و می‌فرمود: «منزل وسیع، یکی از دو بهشت است». (لیثی واسطی، ۱۴۱۸، ص ۲۶) شرافت خانه را وسیع بودن حیاط آن می‌دانست و می‌فرمود:

«برای هر چیزی شرفی است و شرف خانه، وسعت صحن خانه و معاشران و آمیزش کنندگان صالح می‌باشد و برای خانه برکتی است و برکت آن خوب بودن مکان آن و وسعت صحن و خوبی همسایگان آن است». (طبرسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۵)

امیرمومنان علیه السلام خانه وسیع را از برکات خانه معرفی نموده ولی اگر آن خانه در مسیر دستیابی به آخرت با انجام کارنیک انجام گیرد، مورد سفارش حضرت است و شکر آن لازم است و امام علی علیه السلام می‌فرمود: «در فراخی، برتری و فضیلت شکر، آشکار خواهد شد»، (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۷۶) ولی اگر برای فخرفروشی به دیگران باشد، مورد مذمت امام علیه السلام است. امام درسرنش آن می‌فرمود: «دو چیز مردم را نابود کرده است: ترس از ناداری و فخر جویی». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۱۵)

در بصره امام به خانه علاء پسر زیاد حارثی که از یاران او بود رفت تا حال وی را بپرسد، چون فراخی خانه او را دید فرمود:

«این خانه فراخ در دنیا به چه کارت آید که در آخرت نیازت به چنین خانه‌ای بیشتر به کارت آید آری و اگر خواهانی با ساخت آن به آخرت برسی می‌توانی در آن به پذیرایی مهمان انجام بدهی و صله رحم انجام بدهی و حقوقی را که بر گردنت هست را به وسیله آن انجام بدهی و به مستحقانش رسانی و بدین سان با ساخت آن به آخرت نیز می‌توانی کمک کنی». (راوندی، ۱۴۰۷ ه ق، ص ۲۳۰)

امام علی علیه السلام می‌فرمود: هرگاه به تو روزی داده شد، احسان کن. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۸۲) امام علیه السلام به تاثیرات منفی خانه کوچک که موجب سلب آسایش اهل خانه شده است، اشاره کرده و فرموده است: «هر که خانه‌اش کوچک باشد، آسایش او اندک است». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۶۶۷) از آن تعبیر به «کوری

کوچک» کرده است و فرموده: «خانه کوچک، کوری کوچک است». (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۴۱)

امنیت

انتخاب همسایه مناسب، قبل از ساخت خانه از مواردی است که موجبات امنیت خانه را فراهم می‌کند. اگر خانه‌ای، همسایه نامناسب داشته باشد، به طور مسلم آسایش و امنیت از آن خانه سلب شده و دیگر، مکان مطلوبی برای استراحت و ایجاد آرامش که از مهم‌ترین ملزومات خانه است، نخواهد بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: دو نعمت است که قدرشان شناخته نمی‌شود. «یکی سلامت تن و دیگری امنیت». (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ج ۲، ص ۴۷۲) در سیره محیط آرایبی امام علی عَلَيْهِ السَّلَام امنیت خانه قبل از ساخت خانه از مهم‌ترین اقدامات است. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام به انتخاب همسایه خوب سفارش فراوانی می‌نمود. در توصیه‌ای به فرزند بزرگوارشان - امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام - می‌فرمود: «پیش از اینکه از راه پیرسی درباره همراهت سؤال کن و پیش از آنکه درباره خانه سؤال کنی درباره همسایگان پیرس». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۶، ص ۲۲۹)

علی عَلَيْهِ السَّلَام درباره اهمیت همسایه خوب در ساخت خانه فرمودند:

«مردی نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: ای رسول خدا، می‌خواهم خانه‌ای بخرم، شما دستور می‌دهید کجا خانه بخرم؟ در چهینه یا در مزینه یا در ثقیف و یا در میان قریش؟ پس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: اول همسایه بعد خانه». (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۲۱۰)

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام به امنیت خانه اهمیت می‌داد و امنیت را از موجبات فراهم آمدن شادی و آسایش برای اهل خانه می‌دانست و در این باره می‌فرمود: «هر شادی، نیاز به امنیت دارد». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۸، ص ۷، ح ۵۹) درباره رفاه و آسایش می‌فرمود: «رفاه زندگی در امنیت است». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۳۸۹) امیرمومنان امنیت را

نعمت معرفی می‌کرد و می‌فرمود: «هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست». در سیره محیط آرای امام علی علیه السلام امنیت به حدی مهم است که امام علی علیه السلام می‌فرمود: «پسندیده نیست انسان در خانه که در آن حفاظ ندارد، بیتوته کند». (حمیری، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۶۷) بنابراین لازم است برای ساخت خانه، به خصوص در زمان حال که برخی مشکلات اخلاقی زیاد شده است، نسبت به محیط خانه و همسایگان، توجه بیشتر نموده تا خانه‌ای با امنیت بهتر برای خود و خانواده ایجاد نماییم.

آراستگی خانه

آراستگی محیط خانه از مهم‌ترین مسائل در سیره محیط آرای امیرمومنان علی علیه السلام است. امام علی علیه السلام به محیط آرای اهمیت می‌داد و نظافت و آراستگی خانه را جز برنامه‌های مهم برای اهل خانه می‌دانست. حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام با کمک یکدیگر به آراستگی محیط خانه می‌پرداختند و امام صادق علیه السلام درباره همکاری امام علی علیه السلام در خانه فرمودند: «امام علی علیه السلام همیزم جمع می‌کرد، آب می‌آورد، خانه را جارو می‌زد و فاطمه نیز جورا آرد می‌کرد و سپس خمیر می‌نمود و آن گاه نان می‌پخت» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ۱۰۴) جارو زدن محیط خانه توسط حضرت بیانگر توجه به محیط آرای است.

حضرت علی علیه السلام در گفتار خود به جارو زدن محیط خانه و به خصوص جلوی درب خانه سفارش می‌کرد و پاکیزگی خانه را موجب جلب روزی برای اهل خانه می‌دانست و می‌فرمود: «جارو کردن آستانه بیرونی خانه موجب زیادی روزی می‌شود». (طبرسی، ۱۳۸۵، ق، ص ۱۲۸) آراستگی و رسیدگی به محیط، چنان برای حضرت علی علیه السلام مهم بود حتی زمانی که در بیت المال مسلمین مشغول به کار مسلمین می‌شد به نظافت اهمیت می‌داد و بیت المال را در روز جمعه جارو و آب پاشی می‌کرد و سپس در آن نماز می‌گزارد، به این امید که روز قیامت در حق او شهادت دهد. (حرعاملی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۱۰۸)

علاوه بر جارو زدن، به زدودن تار عنکبوت در خانه اهمیت می داد و زدودن آن را موجب آراستگی خانه می دانست و وجود آن را در خانه مایه فقر و تنگدستی می دانست و می فرمود: «خانه های خود را از تارهای عنکبوت پاک کنید، زیرا واگذاشتن آنها در خانه، تنگدستی می آورد». (حرعاملی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۲۲، ح ۶۶۷۴) سعی بر برطرف نمودن هر گونه آلودگی از محیط داخلی خانه می کرد و می فرمود: «پیامبر ﷺ توصیه نموده اند که دستمال چرب و گوشتی در خانه جای ندهید که محل استراحتگاه و مأوای شیطان است». (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۴۸) و به پاکیزگی ظروف اهمیت می داد و نوشیدن آب از قسمت ترک خورده و جانب دستگیره ظرف، نهی می کرد، و می فرمود: «شیطان (میکروب) روی دستگیره و قسمت شکافته مستقر می شود». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۸۵، ح ۵)

روشنایی (سراج البیت)

روشنایی فضای خانه، از موارد مهم در محیط آرایبی است. زیبایی که در فضای خانه به چشم می آید از پرتو روشنایی به وجود می آید. امام علی علیه السلام نیز به روشنایی فضای خانه اهمیت می داد و اصحاب را به روشن نمودن چراغ خانه سفارش می کرد و حتی در مواردی از حضرت سوال می شد درباره فروش چربی روغنی که مردار در آن افتاده و نجس شده است آیا می توانیم استفاده کنیم؟ حضرت علی علیه السلام می فرمود: «با آن چربی روغن، چراغ روشن کنید». (قبانچی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۵)

با اینکه امام علی علیه السلام به روشن کردن چراغ در محیط خانه سفارش می کرد ولی از روشنایی بی مورد چراغ که موجب اسراف می شد خود داری می کرد و درباره آن می فرمود: «از مواردی که بیهوده تلف می شوند، چراغی است که در نور خورشید برافروخته شده باشد، روغنش هر آن از میان می رود ولی کسی از نور چراغ بهره ای نمی برد». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۶، ص ۱۶۵-۱۶۴) در سفارشی پیامبر به امام

علی علیه السلام تاکید داشتند بر اینکه از روشنایی بیهوده اجتناب کرده و در مواقع نیاز از چراغ خانه استفاده گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود:

«ای علی! چهار چیز هدر می رود: ۱. خوردن بعد از سیری، ۲. روشن کردن چراغ در مهتاب (جایی که روشن است)، ۳. زراعت در زمینی که شوره زار است، ۴. نیکی کردن به کسی که لایق آن نیست». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۷۳، ح ۵۷۶۲)

امیر مومنان علیه السلام در استفاده از چراغ بیت المال که سهم عمومی بود دقت می کرد و از استفاده آن برای کارهای شخصی خودداری می کرد. امیر مومنان علیه السلام شبی وارد بیت المال شد و چگونگی تقسیم اموال را می نوشت که طلحه و زبیر، نزد ایشان رسیدند. به محض ورود آنها، امام، چراغی که در برابرش بود، خاموش کرد و دستور داد تا چراغی دیگر از خانه اش آوردند! آنان که از این برخورد امام، شگفت زده شده بودند، سبب آن را پرسیدند. امام علیه السلام پاسخ داد: «روغن آن چراغ، از بیت المال بود؛ از این رو، سزاوار نیست که با شما در روشنایی اش هم نشینی کنم». (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۰)

تزینات

معصومان علیهم السلام به تزین خانه و آراستگی آن توجه ویژه می کردند و در تزین آن از به کاربردن هرگونه تجملات و مجسمه های انسان و حیوان خودداری می کردند. در سیره محیط آرای امیر مومنان علیه السلام تزین خانه همراه با سادگی و به دور از هرگونه تصاویر حیوان و انسان می باشد و در همین مورد امام علی علیه السلام نصب تصاویر نقاشی شده را در خانه دوست نداشت. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۲۷) تزین منزل با تصاویر داری روح را مناسب حال فرد مسلمان نمی دانست و نه تنها در محیط خانه بلکه در محیط بیرون از این گونه تصاویر نهی و از آن دوری می کرد و می فرمود: «هر کس قبری را بازسازی کند یا صورتی بکشد و یا مجسمه ای و غیر مجسمه را ساخته (و سمبل قرار دهد) از اسلام خارج شده است». (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۵۹)

این گونه تصاویر علاوه بر تاثیرات منفی، انسان را از یاد خداوند غافل می‌نماید پس بهتر است که خانه فرد مسلمان با حفظ سادگی و به دور از مادیات و استفاده از رنگ‌های سفارش شده معصومان علیهم‌السلام محیط داخلی خانه را تزئین نمود تا سبب شادابی و آرامش روحی ساکنان آن فراهم گردد.

وسایل خانه

چون حضرت علی علیه‌السلام با حضرت زهرا علیها‌السلام ازدواج کرد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود: در همین نزدیکی منزلی تهیه کن تا زندگی را شروع کنی. علی علیه‌السلام خانه حارثه را برای فاطمه علیها‌السلام اجاره کرد تا اینکه بعدها درکنار خانه رسول خدا برای خود خانه ساخت.

علی علیه‌السلام اتاق را با امکاناتی بسیار ساده از جهیزیه فاطمه آراست که شامل: ۱. یک قتیفه مشکی خیبری، ۲. تختی که وسط آن را با لیف خرما بافته بودند، ۳. دو عدد تشک با روکشی از کتان مصری که یکی از آنها با لیف خرما و دیگری با پشم گوسفند پر شده بود، ۳. چهار بالش یا متکا یا پستی با رویه‌ای از پوست حیوانات طائف، ۴. پرده‌ای از جنس پشم، ۵. حصیری بافت یمن، ۶. یک آسیای دستی، ۷. طشت مسی، ۸. مشک آبی از جنس پوست، ۹. ظرف مخصوص شیر که از جنس چوب می‌تراشیدند، ۹. ظرفی برای آبخوری، ۱۰. آفتابه‌ای قیراندود، ۱۱. سبویی سبز رنگ که در آن روغن، آرد یا چیزهای دیگر نگهداری می‌کردند، ۱۲. دو کوزه کوچک سفالی.

به دستور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اصحاب این وسایل را خریدند و وقتی نگاه حضرت به آنها افتاد، اشک ریخت و سرش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! به کسانی که بیشتر ظروفشان از سفال است، برکت عطا فرما». (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۵۰۹)

علی و فاطمه جایگاه هرکدام این وسایل را به گونه مشخص در خانه مشخص کردند. آن حضرت کف اتاق را شن‌های نرم ریختند و چوبی را برای آویختن مشک بر دیوار اتاق نصب کرد، سبو و کوزه آبی فراهم آورد و چوبی به عنوان جالباسی از این

سوی تا آن طرف دیوار نصب کرد، آن گاه کف اتاق را با پوست گوسفند پوشانید و بالشی از لیف خرما در کنارش قرار داد. (موسوی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۱۳-۵۱۲)

حضرت علی علیه السلام آئینه، شانه، قیچی و پارچه‌ای (حوله‌ای) داشتند که همیشه آن را در جای بلندی می گذاشتند و پس از شستشوی دست و صورت و موقع وضو در فصل زمستان، دست و چهره را با آن خشک می کردند (در فصل تابستان آب وضو را خشک نمی نمودند)، سپس حوله را به میخی که به دیوار کوبیده بودند می آویختند. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۷۵) دیگران از آن حوله استفاده نمی کردند. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۷۵)

این نگرش امیرمؤمنان علیه السلام بیانگر این بود که هرکس باید مسواک، شانه و حوله مخصوص به خود داشته باشد و از این وسایل، استفاده عمومی نشود. چون که استعمال شانه دیگران، سبب انتقال عفونت‌ها و میکروب‌ها می گردد. (رکنی لموکی، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۲۹) این حدیث، هم رعایت این نکته را از سوی امیر مؤمنان نشان می دهد، هم گویای نظم اوست که برای وضو حوله‌ای جدا داشت که هم مخصوص خود او بود، هم برای غیر وضو از آن استفاده نمی شد.

امیرمؤمنان علیه السلام بیشتر از ظروف ساده در خانه استفاده می کرد. ظرف فالوده‌ای خدمت امیرالمؤمنان علیه السلام آورده و در برابر آن حضرت گذاشتند. امام علیه السلام به صافی و زیبایی خوش آن نگریست و انگشت خود را تا ته ظرف در آن فرو برد و سپس بیرون کشید و چیزی از آن بر نداشت و انگشت خود را چشید و فرمود: «همانا حلال، پاک و نیکوست و این حرام نیست اما من خوش ندارم نفس خود را به چیزی عادت دهم که تاکنون بدان عادت نداده‌ام، این ظرف را از جلو من بردارید، پس آن را برداشتند». (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۱۵۰۲)

آراستگی خانه امام علی علیه السلام این نکته را می رساند که انسان می تواند در عین ساده زیستی به زیبایی‌های اطراف خود توجه نماید به طوری که امام علی علیه السلام حتی به زیبا

سازی نوشته‌ها هم توصیه می‌کردند و به کارگزاران می‌فرمود: «تراشه قلمت را بشکاف و پره آن را ستبر کن و آن را به جانب راست برش بزن تا خطت زیبا شود». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۴۸)

اتاق عبادت (غرفة العبادة)

مستحب است که مسلمان برخی نمازها را هر چند که نماز مستحبی باشد، در خانه خود اقامه کند تا روح عبادت در محیط خانه منتشر شود و این کار در تربیت فرزندان مؤثر افتد. امام علی علیه السلام همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش به قرار دادن محلی برای دعا و مناجات می‌کرد، محلی را مختص به عبادت و راز و نیاز خداوند قرار داده بودند. علی علیه السلام اتاقی داشت که در آن چیزی جز یک فرش و یک شمشیر و یک قرآن نبود و در آن جا نماز می‌خواند یا در آن مکان، قیلوله (خواب نیمروزی) می‌کرد. (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۱۲) در توصیف اتاق عبادت حضرت علی علیه السلام آمده است که در خانه‌اش برای نماز اتاقی بود نه کوچک و نه بزرگ... در آن نماز می‌خواند. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۹۵) سفارش به فراهم کردن چنین اتاقی برای عبادت می‌کرد که در آن می‌توان تسبیح خداوند را انجام داد.

انجام عبادت در خانه با توجه به رفت و آمد در آن، مستلزم محیطی آرام که بدون هر گونه سر و صدا بوده تا عبادت خداوند به بهترین شکل ممکن انجام گیرد که آرامش و عدم حواس پرتی در عبادت را برای فرد به همراه دارد. با توجه به سیره محیط آرایبی حضرت علی علیه السلام، در خانه فرد مسلمان برای اینکه معنویت بیشتری پیدا کند، باید جایگاهی متوسط - در صورت تمکن مالی بهتر - مخصوص عبادت قرار داده شود.

اتاق مهمان (عُرْفَةُ الصَّيْفِ)

اکرام و احترام به مهمان همیشه مورد سفارش معصومان علیهم السلام بود، به گونه‌ای که برای این امر از بهترین امکانات، برای اکرام آنها استفاده می‌نمودند و برای راحتی بیشتر مهمانان خود تلاش می‌کردند و هر وقت خانه‌ای می‌ساختند یکی از اطاق‌های

آن را مخصوص مهمان خانه مقرر می‌داشتند. (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۳۶) امام علی علیه السلام نیز به حضور مهمان در خانه اهمیت می‌داد و نیز در اکرام و احترام به مهمان کم نمی‌گذاشت و تا جایی که گفته شده که جمعی مشاهده نمودند که امیرالمؤمنین علیه السلام گریه می‌کند و سبب گریه را سؤال نمودند؟ فرمود: هفت روز است که مهمان بر من وارد نشده است. امیرمومنان علیه السلام نیز وجود چنین اتاقی را برای اکرام بهتر و راحتی بیشتر مهمان ضروری می‌دانست.

فضای سبز

امیرمومنان علیه السلام گرچه در آغاز زندگی دچار مشکلات زیادی بودند؛ اما در دوره‌ای که در مدینه حضور داشتند در طول بیست و پنج سال سکوت، بیشتر به ایجاد نخلستان، حفر چاه، ایجاد مزارع و کشتزار متعدد می‌پرداختند و درآمد حاصل از آن را وقف نیازمندان می‌نمودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنان علی علیه السلام با کمک یکدیگر درخت می‌کاشتند. امیرالمؤمنان علی علیه السلام با بیل زمین را برای کاشت درختان آماده می‌ساخت و پیامبر صلی الله علیه و آله هسته خرما را مرطوب می‌کرد و می‌کاشت.

علی علیه السلام درباره خصوصیات درختان می‌فرمود: «بدانید که درختان بیابانی چوبشان محکم تر است اما درختان سرسبز که همواره در کنار آب اند، پوست نازک تر دارند. درختانی که در بیابان می‌رویند و جز با آب باران سیراب نمی‌شوند، آتششان شعله ورتر و با دوامتر است». (رضی، بی تا، ج ۱۶، ۲۸۹)

در دوران حکومت خود بیشتر به آبادانی محیط توجه می‌کرد و در نامه‌ای به مالک اشتر فرمود: «باید توجه تو به آباد کردن زمین بیش از توجه به گرفتن مالیات باشد؛ زیرا مالیات جز در نتیجه آبادانی فراهم نمی‌آید». (رضی، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۶) امیرمومنان علیه السلام با دستان خود خرما می‌کاشت با کلنگ زمین را می‌کند و آن را آبیاری می‌کرد و بارهای هسته خرما را روی شانه می‌گذاشت و به صحرا می‌برد و بر زمین

می‌فشانند و اگر یک دانه‌ای از آن بر زمین می‌افتاد، خم می‌شد و آن را بر می‌داشت و می‌فرمود: امروز هسته است و فردا خرما (برقعی قمی، بی‌تا، ص ۵۵)

امام باقر علیه السلام فرمودند: «روزی مردی حضرت علی علیه السلام را ملاقات کرد و دید که حضرت روی یک کیسه گونی از هسته خرما نشسته است، عرض کرد یا اباالحسن این چیست؟ فرمود یکصد هزار درخت خرما، انشاء الله». سپس حضرت باقر علیه السلام فرمود: «همه را حضرت علی علیه السلام کاشت و یک هسته خرما را هم باقی نگذاشت». (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۴۱)

امام علی علیه السلام در تفسیر قول خداوند که: «آیا شما کشت را می‌رویانید یا ما می‌رویانیم»، حضرت سه بار فرمودند: «بلکه زارع حقیقی تو هستی ای پروردگار من!»، (قبنجی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۵۸) یعنی با اینکه با دستان خود درختان خرما را می‌کاشت اما خواست خدا را در ایجاد آن مهم می‌دانست و خداوند را زارع حقیقی درختان می‌دانست.

یکی از علت‌های ایجاد نخلستان به منظور سرسبزی و خرمی زمین بود و وجود گیاهان و درختان خرما به زمین حیات می‌بخشید و در نتیجه در زیبایی و آراستگی محیط شهر تاثیر زیادی می‌گذاشت. امیر مومنان علیه السلام علاقه زیادی به کاشت درختان به خصوص درخت خرما داشتند.

امیر مومنان علیه السلام در نهج البلاغه، باغ و درخت و گیاه را دلیلی بر زیبایی، آبادانی و آسایش دانسته است. وجود درختان و سبزه‌ها و آبشارها باعث مفرح شدن روح شده، چراکه دل را دفتر دیده می‌داند. (رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۸) آنچه چشم بنگرد، در قلب نشیند. حضرت علی علیه السلام، نگاه به سبزه و چمن را دعا و تعویذی برای درمان بیماری‌ها و موجب شادمانی می‌دانست. (رضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۶)

حضرت علی علیه السلام به گل و گیاه علاقه زیادی داشت و به بوییدن آن سفارش می‌کرد و می‌فرمود: گل نرگس را دست کم در هر سال یک بار بویید؛ زیرا در دل انسان حالتی است که تنها گل نرگس آن را می‌زداید. (أبشیهی، ۱۴۱۹، ق، ص ۲۷۹)

علی علیه السلام سفارش به کاشت درخت می‌کرد و از بریدن و نابود کردن درختان نهی می‌کرد. پرهیز از قطع کردن درختان را عامل افزایش عمر می‌دانست و می‌فرمود: «آزار نرساندن و احترام سالمندان و صله رحم و دوری از بریدن درختانِ تر مگر در حال ضرورت، موجب افزایش عمر انسان است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۳۱۹) علاوه بر هدف سرسبزی محیط، درآمد حاصله از کاشت درختان خرما را برای تامین معاش زندگی و برای تامین نیازمندان قرار می‌داد.

علی علیه السلام چاه‌هایی در راه مکه و چاهی در مدینه نزد مسجد فتح و چاهی در کوفه و بصره (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۳۲) و چشمه‌هایی را به خصوص در منطقه ینبع احیاء می‌کرد. این چاه‌ها و چشمه‌ها علاوه بر اینکه روح نشاط و شادابی را در میان مردم ایجاد می‌کرد، آب آشامیدنی نماز گذاران و زیارت کنندگان را تامین می‌کرد. با آب چاه می‌توانستند به نظافت خود برسند و همچنین تمیزی محیط اطراف خود را به بهترین شکل ممکن انجام دهند و ایجاد این چاه‌ها در میان راه‌ها موجب رفاه مسافران می‌گردید.

نتیجه گیری

اقتضائات اجتماعی هر دوره از زندگی معصومان علیهم السلام به ویژه میزان سطح درآمد و زندگی عموم مردم جامعه از شاخصه‌های مهم و تاثیر گذار در میزان زیادی و کمی خودآرایی و محیط آرایبی بوده است. در دوران امیر مومنان علی علیه السلام مردم مدینه در سختی قرار گرفته و و با توجه به اینکه امام علی علیه السلام پیشوای مسلمانان بود و در این زمینه می‌بایست خود را شبیه ترین به افراد محروم جامعه کند اقتضای شرایط جامعه ایجاب می‌کرد که حضرت در حضور جمع به خودآرایی کمتر و ساده زیستی بیشتری پرداخته اما این گونه ساده زیستی هیچ گاه به منزله دوری کردن از خودآرایی سیمای ظاهری و محیط آرایبی پیرامون خود به خصوص در محیط خانه نبود بلکه اگر شرایط جامعه تغییر می‌کرد و به گونه‌ای در وضعیت مطلوبی قرار می‌گرفت و عرف خودآرایی بیشتر را از جانب امام قبول می‌کرد همانگونه که در دوران امام صادق و امام رضا علیهم السلام این بزرگواران به خودآرایی و محیط آرایبی بیشتری می‌پرداختند مسلماً امام علی علیه السلام نیز به خود آرایبی و محیط آرایبی بیشتری می‌پرداخت. البته کمبود امکانات در زمینه محیط آرایبی در دوران امام علی علیه السلام نیز در محیط آرایبی بی تاثیر نبوده است.

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

۱. برقی قمی، سید علی اکبر، بی تا، جلوه حق در سیرت مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام، تهران، حافظ.
۲. رکنی لموکی، محمدتقی، (۱۳۸۶)، احکام آراستگی ظاهری، قم، زمزم هدایت.
۳. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵) فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب.
۴. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۵) میزان الحکمه: أخلاقی، عقائدی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۵. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۸) الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، پیام امام امیر مومنان علیه السلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

منابع عربی

۷. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۴۱۸ ق)، عیون الحکم والمواعظ، قم، دارالحدیث.
۸. أبشیهی، شهاب الدین، (۱۴۱۹ ق) المستطرف فی کل فن مستطرف، بیروت، عالم الکتب.
۹. ابن ابی الحدید، (۱۴۰۴) شرح نهج البلاغه، ۲۰ جلد، قم، مرعشی نجفی.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۷)، الخصال، ترجمه کمره‌ای، تهران، کتابچی.
۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۶ ق) ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، شریف رضی.
۱۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. ابن شعبه الحرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴)، تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹) مناقب آل ابی طالب، مصحح: محمدحسین آشتیانی، هاشم رسولی، قم، علامه.
۱۵. ابنا بسطام، عبدالله و حسین، (۱۴۱۱ ق) طب الأئمة، شریف رضی.
۱۶. اسدی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۰ ه ق.) نهایة الاحکام، قم، اسماعیلیان.
۱۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ ق) المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامیه.
۱۸. بروجردی، سیدحسین، (۱۳۷۳ ه ش) جامع أحادیث الشیعه، قم، نشر الصحف.
۱۹. بیهقی، ابوبکر، السنن الكبرى (۱۴۲۴ ه ق)، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۴۱۰ ه)، غرر الحکم و درر الحکم، مصحح: سید مهدی رجائی، قم، دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. تمیمی مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد، بی تا، تأویل الدعائم، مصحح: محمد حسن اعظمی، قاهره، دار المعارف.
۲۲. حکیمی، علی، (۱۳۷۱ ش)، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. حرعاملی، محمد حسن (۱۴۱۴ ق)، وسائل الشیعه، قم، آل البيت.
۲۳. حمیری، أبو عباس، (۱۴۱۳ ه ق)، قرب الاسناد، قم، آل البيت.
۲۴. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ ق) إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، شریف الرضی.
۲۵. دیلمی، شیرویه بن شهردار، (۱۴۰۶)، الفردوس بمأثور الخطاب، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۲۶. راشدی، قاسم بن یحی، (۱۳۸۵ ش) آداب امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، دارالحديث.
۲۷. راوندی، سعید بن هبة الله قطب الدين، (۱۴۰۷ ه ق) سلوة الحزین (الدعوات)، قم، امام مهدي علیه السلام.
۲۸. رضی، سیدشریف، بی تا، نهج البلاغه، بیروت، دار الكتاب اللبناني.
۲۹. زبیدی، سیدمرتضی، (۱۴۱۴ ق) تاج العروس، بیروت، دارالفکر.
۳۰. شعیری، تاج الدین محمد، بی تا، جامع الاخبار، نجف حیدریه.
۳۱. شهردار دلمی، شیرویه بن شهردار، (۱۴۰۶) الفردوس بمأثور الخطاب، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۲. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۱)، سنن النبی (آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام)، تهران، پیام آزادی.
۳۳. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۵ ق.) مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، حیدریه.
۳۴. طبرسی، حسین نوری، (۱۴۰۸ ق) مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت.
۳۵. طبرسی، رضی الدین، بی تا، مکارم الاخلاق، بیروت، مؤسسه اعلمی.
۳۶. طوسی، ابوجعفر محمد، (۱۳۶۴) تهذیب الأحکام، مصحح محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۳۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، انتشارات رضی.
۳۸. فیض کاشانی، محسن، (۱۴۰۶ ق) الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
۳۹. قبانچی، سیدحسین، (۱۴۲۰ ق.) مسند الإمام علی علیه السلام، تهران، دار الاسوه.
۴۰. قمی، عباس، (۱۴۱۴ ق) سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم، اسوه.
۴۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، (۱۳۹۴ ش)، قم، اسوه.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷ ش) الفروع من الکافی، علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران، الإسلامیه.
۴۴. کوفی، ابراهیم ثقفی، (۱۳۹۵ ق)، الغارات، تهران، انجمن آثار ملی.
۴۵. کوفی، محمد، بی تا، الجعفریات - الأشعثیات، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه.
۴۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، تهران، مؤسسه الوفاء.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ ه ق) مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۴۸. محسنی، محمد آصف، (۱۴۳۴ ق)، معجم الأحادیث المعتمده، قم، نشر ادیان.
۴۹. موسوی، سیدمحمد باقر، (۱۳۸۶)، الکوثر فی أحوال فاطمه بنت النبی الأعظم علیه السلام، قم، دلیل ما.
۵۰. موسوی، فخار بن معد، (۱۴۱۰ ه ق)، ایمان أبی طالب، مصحح محمد بن بحر العلوم، قم، سید الشهدا.
۵۱. نعمان مغربی، قاضی، (۱۳۸۵ ه ق)، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۲. نقدی، جعفر، (۱۳۸۱ ه ق)، الانوار العلویه، نجف، حیدریه.
۵۳. هندی، فاضل، (۱۴۱۶ ق)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

مقالات

۵۴. خوشنودی، عفت، منتظرالقائم، اصغر، (۱۳۹۳)، بررسی و توضیح جایگاه موقوفات امام علی علیه السلام، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، دوره دوازدهم، شماره ۴۸.